

ارزیابی و سنجش رابطه حس مکان و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری تهران، مورد مطالعاتی: محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک

حمیده فروزان‌گهر*

۱. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

چکیده

محلّات، در پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سرمایه اجتماعی، به عنوان فضای کالبدی شهری مهمی شناسایی شده‌اند که در آن شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، فرآیندهای مهم برای رفاه و کیفیت زندگی را ایجاد می‌کنند نظریه پردازان عقیده دارند که گرچه سرمایه اجتماعی صریحاً دارای بعد فضایی نیست؛ اما، گرایش قوی به حس مکان به ویژه حس محلی دارد. درک رابطه سرمایه اجتماعی با فرض این که تعامل اجتماعی در سطح محلی رخ می‌دهد، مبنایی برای انسجام اجتماعی است. لذا، دل‌بستگی عاطفی ساکنان به محله مشارکت مدنی را تحریک می‌کند و آگاهی از نقاط قوت و مشکلات آن را تسهیل می‌کند. حس مکان دارای بعدی غیرمادی است و می‌تواند احساس و ادراکی را در فرد ایجاد کند که بر حضور و سرمایه اجتماعی او تاثیر گذارد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی رابطه بین حس مکان و مولفه‌های سرمایه اجتماعی ساکنین شهر تهران انجام شد. در یک طرح توصیفی-هم‌بستگی ۳۰۰ نفر از ساکنین محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و به پرسش‌نامه خودتنظیم پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش آمار توصیفی و ضریب هم‌بستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین حس مکان و مولفه‌های سرمایه اجتماعی به طور کلی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. اما، به تفکیک محله، بین مولفه حس مکان و سرمایه اجتماعی در محله سعادت‌آباد رابطه‌ی معنی‌داری وجود نداشت و در دو محله نازی‌آباد و نارمک رابطه مثبت و معنی‌دار مشاهده شد. از میان مولفه‌های سرمایه اجتماعی، مولفه مشارکت غیررسمی خیریه‌ای بیش‌ترین هم‌بستگی با حس مکان را نشان داد. مولفه جریان اطلاعات کم‌ترین رابطه را با حس مکان داشت. ارزیابی این روابط می‌تواند به متخصصان شهرسازی کمک کند تا زمینه را برای ارائه راهکارهایی جهت بهبود و کارآمدی فضاهای عمومی شهری و مداخلات برای افزایش سرمایه اجتماعی فراهم کنند.

واژگان کلیدی: فضاهای عمومی شهری، حس مکان، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی.

۱. مقدمه

پژوهش‌ها در مبحث سرمایه اجتماعی^۱، محلات را به عنوان فضای کالبدی شهری مهمی شناسایی کرده‌اند که در آن شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، فرآیندهای مهم برای رفاه و کیفیت زندگی را ایجاد می‌کنند (Cattell, 2001; Forrest & Kearns, 2001; Hays & Kogl, 2007). بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها در این زمینه ضرورت توجه به تعامل بین شبکه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و ارتباط مردم با مکان (هایی) را که در آن فرآیندهای اجتماعی تعریف شده است مورد توجه قرار می‌دهند (Jorgensen, 2010). این امر صاحب‌نظران شهرسازی را به دنبال فهم هر چه بیش‌تر محله به عنوان یک موضوع معنادار برای کسانی که در آن ساکن هستند سوق داده است.

از دیرباز توجه به محله‌ها به عنوان شاخص‌ترین فضای شهری موثر بر تعاملات اجتماعی ساکنین مورد مطالعه پژوهشگران بوده است (Forrest & Kearns, 2001). درک رابطه سرمایه اجتماعی با فرض این که تعامل اجتماعی در سطح محلی رخ می‌دهد، مبنایی برای انسجام اجتماعی است. از این رو، دل‌بستگی عاطفی ساکنان به محله‌های آن‌ها مشارکت مدنی را تحریک می‌کند و آگاهی از نقاط قوت و مشکلات آن را تسهیل می‌کند (Manzo & Perkins, 2006). فورست و کرنز (۲۰۰۱) بیان می‌کنند، گرچه سرمایه اجتماعی صریحا دارای بعد فضایی نیست؛ اما، گرایش قوی به حس مکان به ویژه حس محلی دارد. بنابراین، تعریف مکان از دیدگاه کسانی که در آن ساکن هستند، مستلزم باورها، احساسات و رفتارهای موجود در آن مکان به اندازه نیاز به احساس ارزش از آن مکان است (Jorgensen, 2010).

شواهد نشان می‌دهند افراد با مکان‌هایی پیوند می‌خورند که آن‌ها را معنادار درک کنند که این عامل خود بر حضور و مشارکت آن‌ها در مکان‌ها تأثیر می‌گذارد (Manzo & Perkins, 2006). مفاهیم متعددی وجود دارد که رابطه بین مردم و محیط‌های مکانی را توصیف می‌کند؛ اما، شاید حس مکان^۲ مهم‌ترین مفهوم باشد (Jorgensen & Stedman, 2001). حس مکان، احساس پیوند با موقعیت‌ها و مکان‌هاست و از طریق معنایی خلق می‌شود که افراد بر اساس تجربیاتشان در یک مکان به دست می‌آورند (Amsden, 2007). رابطه‌ی بین حس مکان و رفتار در مطالعات پیشین مورد بررسی قرار گرفته است (Walker & Ryan, 2008; Scannell & Gifford, 2010; Chapin & Knapp, 2015). این پژوهش‌ها حس مکان را به عنوان ماسبق رفتار مفهوم‌سازی کردند. علاوه بر این، افرادی که در مکان‌هایی با هویت فیزیکی قوی زندگی می‌کنند، ترغیب می‌شوند تا بیش‌تر با یک‌دیگر و محیط ارتباط برقرار کنند و سرمایه‌های اجتماعی بسازند (Dale, Ling, & Newman, 2008).

افزون بر این، مفهوم حس مکان در میزان و نوع روابط

بین افراد جامعه تأثیر می‌گذارد و این رابطه در گروه‌های اجتماعی که به مکان خاصی اختصاص دارند، باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد آنان می‌گردد، حس مکان که شهروندان در فضای شهری خود دارند، می‌تواند یکی از عوامل مهم ایجاد سرمایه اجتماعی در شهر باشد. در جوامعی که سرمایه اجتماعی در حال انباشت است، ساکنان به طور فزاینده‌ای با یک‌دیگر همکاری می‌کنند تا مشکلات را شناسایی کنند، ایده‌ها را به اشتراک بگذارند و راه‌حل‌هایی را برای مشکلاتی که به نفع کل جامعه است، شناسایی کنند (Debertain & Stephan, 2013).

پیتون (۲۰۰۳) تأثیر حس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی را بر عملکرد مدنی بررسی نمود. نتایج نشان داد ارتباط معنی‌داری بین حس مکان، سرمایه اجتماعی و عملکرد مدنی در ارتباط با مدیریت منابع طبیعی وجود دارد. ربانی خوراسگانی و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان سنجش میزان سرمایه اجتماعی در سطح محله به بررسی شناخت ابعاد و سرمایه اجتماعی در سطح محلات منطقه نُه مشهد پرداختند و به این نتیجه رسیدند که میانگین سرمایه اجتماعی افراد در سطح محله، کمی از حد متوسط پایین‌تر بوده است. رهنما و رضوی (۱۳۹۱) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مدل تاثیرگذاری حس مکان در افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق متغیر واسطه مشارکت تبیین می‌گردد. به عبارت دیگر، در یک رابطه‌ی علی غیرمستقیم، تقویت حس مکانی باعث افزایش مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود.

شیخی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای تطبیقی حس مکان در سکونت‌گاه‌های رسمی و غیررسمی در شهرهای جدید پرنده و نسیم‌شهر نشان دادند حس تعلق مکان در اسکان غیررسمی نسیم شهر بیش از اسکان رسمی پرنده است. هم‌چنین سرمایه اجتماعی ساکنین نسیم‌شهر بیش از پرنده بود. هم‌چنین، سوینی و همکاران (۲۰۱۲) برداشت ساکنان روستایی را از چشم‌انداز بر مبنای حس مکانی (مبین رابطه‌ی انسان با مکان) در منطقه نورمیجاوری در نزدیکی متروپلیتن هلسینکی در جنوب فنلاند بررسی کردند. بر اساس نتایج، حس مکانی قوی به نگر داشت مکان منجر شد.

چیگ بو (۲۰۱۳) طی پژوهشی فقدان حس تعلق مکانی در مناطق روستایی نیجریه را به عنوان یک بازدارنده‌ی توسعه در این مناطق معرفی کرده است. در پژوهشی دیگر، ربانی و حبیبی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با تحلیل نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی به این نتیجه دست یافتند که میزان سرمایه اجتماعی با توجه به وضعیت کیفی متفاوت فضاهای شهری به صورت معنی‌داری متفاوت است. زنگنه و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکت محلات قدیمی سبزوار پرداخته و به این نتیجه رسیدند که دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و حس

پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. بین حس مکان و مولفه‌های سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری تهران رابطه وجود دارد.
 ۲. رابطه حس مکان و سرمایه اجتماعی در محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک متفاوت است.
- در راستای تحقق اهداف پژوهش، پس از بیان ادبیات و پیشینه پژوهش، جزئیات روش پژوهش تشریح شد. سپس، نتایج در قالب بیان رابطه بین حس مکان و ابعاد سرمایه اجتماعی ذکر گردید و در نهایت، در بخش بحث و نتیجه‌گیری به تبیین روابط و بیان محدودیت‌ها و پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی پرداخته شد.

۲. ادبیات پژوهش

سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای در هم تنیده از پیوستگی‌ها، پیوندهای ارتباطی و ارتباط‌های پیوندی است که مفهوم پیوستگی به ارتباطات، تعاملات کنش‌ها و روابط اجتماعی افراد در عرصه‌های اجتماع‌پذیر جامعه یا نهادها اشاره دارد. سرمایه اجتماعی به بیان ساده، محصول آشنایی انسان‌ها با یکدیگر است و از خاستگاهی چون آشنایی و اعتماد جان می‌گیرد و به نتایج مثبتی در زندگی افراد می‌انجامد.

۲-۱- سرمایه اجتماعی

واژه سرمایه اجتماعی را اولین بار هانی فان^۴ (۱۹۱۶) به معنای دارایی‌های روزمره در قالب وجود حسن تفاهم، دوستی و رفاقت، هم‌دلی و روابط اجتماعی در بین افراد و خانواده‌ها مطرح نمود. سرمایه اجتماعی به بیان ساده، محصول آشنایی انسان‌ها با یکدیگر است و از خاستگاهی چون آشنایی و اعتماد جان می‌گیرد و به نتایج مثبتی در زندگی افراد می‌انجامد (صدیایی و دیگران، ۱۳۸۸).

سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارهای سیستم اجتماعی است که باعث افزایش سطوح هم‌بستگی و همکاری اعضای جامعه و پایین آمدن سطح هزینه تعاملات و ارتباطات می‌گردد (Fukuyama, 2006). اعتماد یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود که منجر به همکاری، مشارکت و تعاملات میان افراد در گروه‌های اجتماعی شده و به گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه می‌انجامد. وجود اعتماد و سرمایه اجتماعی می‌تواند پایداری جامعه را حفظ نماید. به عبارت دیگر اعتماد است که مشخص می‌کند هنجارها و سیستم‌ها در یک اجتماع، به پایداری دست یابند (Grootaert et al., 2005).

بنابراین، سرمایه اجتماعی به معنی روابط و تعاملات اجتماعی است که میان افراد بر اساس هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و منجر به اعتماد میان فعالان اجتماعی می‌شود. این تعاملات در شبکه‌های اجتماعی رخ داده یا منجر به تولید شبکه‌های اجتماعی می‌شود و در نهایت باعث رسیدن به اهداف مشترک کنشگران

تعلق مکانی، تاثیر معنی‌داری بر سطح مشارکت ساکنان در بهسازی محله دارند. از این رو، به نظر می‌رسد که افراد با مکان‌هایی پیوند می‌خورند که آن‌ها را معنادار درک کنند که این عامل خود بر حضور و مشارکت آن‌ها در مکان‌ها تأثیر می‌گذارد و افراد را ترغیب می‌کند تا بیش‌تر با یکدیگر و محیط ارتباط برقرار کنند و سرمایه‌های اجتماعی بسازند.

از این رو، افزون بر حس مکان، سرمایه اجتماعی نیز یک عامل مهم برای فرایند طراحی و برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود (Manzo & Perkins, 2006). بسیاری از طرح‌های ارتقای کیفیت محیطی تلاش می‌کنند تا سرمایه اجتماعی را برای دستیابی به اهداف کیفی محیطی به کار گیرند. ادبیات نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی قوی منجر به حمایت بیش‌تر از سیاست‌های حمایتی محیط کالبدی شهر می‌شوند (Dean et al., 2016). از آن جا که فضاهای عمومی شهر باید بتوانند ضمن امکان‌دهی به روابط بین شهروندان به روند تولید سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه پایدار انسانی مدد رسانند و پرداختن به چنین فضاهایی در ایران نیازمند برنامه‌ریزی و طراحی مناسب و مداخلات کارآمد است و با توجه به این که مطالعاتی که روابط بین سرمایه اجتماعی و حس مکان را مورد بررسی قرار داده باشند، اندک هستند. از این رو، در این پژوهش به مولفه‌های فضایی فرایندهای اجتماعی به ویژه حس مکان و سرمایه اجتماعی پرداخته شده است.

قابل ذکر است که فضاهای شهری ایرانی آن‌گونه که باید، نتوانسته‌اند در میزان تکوین و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در شهر معاصر تأثیرگذار باشند و این گونه بوده است که شهر امروز یا نمی‌تواند سرمایه اجتماعی حاصل از تبادلات شهروندی سرمایه‌های انسانی موجود را سازماندهی کند و یا حتی گاهی به نوعی مانع از شکل‌گیری چنین سرمایه‌هایی در رویه‌ای سلبی می‌شود. در حالی که هر چه سرمایه اجتماعی در یک نظام مدیریت شهری بالاتر باشد، موجب پایین آمدن هزینه‌های مربوط به تعاملات اجتماعی، اقتصادی و اقدامات مختلف در راستای توسعه شهر و نگهداری، حفظ و ارتقای کالبد شهر می‌شود. بنا بر موارد ذکر شده و با توجه به شکاف در پژوهش‌های خاص جامعه‌شناسی شهری در حوزه سرمایه اجتماعی از یک طرف و عدم رویکرد خاص شهرسازان به مقوله کیفی شهر از طرف دیگر و با توجه به این که در مطالعات پیشین رابطه حس مکان و سرمایه اجتماعی در بین فضاهای شهری که از لحاظ ماهیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با هم متفاوت هستند، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. لذا، در این پژوهش به شناسایی رابطه بین حس مکان و مولفه‌های سرمایه اجتماعی در سه محله شهری سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک پرداختیم. ضمن آن که حس مکان و سرمایه اجتماعی را در سه فضای دارای هویت مجزا مقایسه کردیم. از این رو، فرضیه‌های اصلی

می‌گردد. از این رو، سرمایه اجتماعی ذاتا مادی نیست و در فرد هم وجود ندارد؛ بلکه در روابط بین افراد شکل می‌گیرد و ظاهر می‌شود (Putnam, 2013).

بولن^۵ (۱۹۹۸) ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی را مشارکت در اجتماع محلی، فعالیت در متن جامعه، احساس اعتماد و امنیت، ارتباطات همسایگی، مرادوات با دوستان و فامیل، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، پیوندهای کاری و ارزش زندگی معرفی می‌نماید. از دیدگاه کلمن^۶ (۱۹۸۸) سرمایه اجتماعی به سه شکل خود را نشان می‌دهد که عبارت‌اند از: تعهدات، انتظارات و قابلیت اعتماد در ساختار اجتماعی، شبکه‌های اطلاعاتی و هنجارهای موثر (Eriksson, 2010, P. 17). از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه و یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود (Bourdieu, 1983).

کلمن (۱۹۸۸) بر این عقیده است که سرمایه اجتماعی تنها زمانی هستی می‌یابد و شکل می‌گیرد که اولاً در یک محیط اجتماعی معین نظیر مجله انسان‌هایی در برابر یک‌دیگر قرار گرفته باشند و ثانیاً میان آن‌ها رابطه‌ای شکل گرفته باشد و جریان یابد. این موضوع فضاهای عمومی شهری را به عنوان بستر ساز حضور افراد و متعاقب آن ایجاد روابط اجتماعی به عنوان شرط لازم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مطرح می‌سازد. از طرفی دیگر، آن‌جا که فعالیت‌های روزمره در فضاهای عمومی شکل می‌گیرد، انجام برخی از فعالیت‌ها به استفاده از فضاهای شهری

بستگی دارد. فضاهای گوناگون شهری، تأثیر قابل توجهی بر سرمایه اجتماعی دارند (Yoo & Lee, 2016) برخی از مشکلات اجتماعی در مناطق شهری، پیامدهای تضعیف سرمایه اجتماعی در جامعه شهری است. ترکیب طراحی و ساختار خوب شهری و ماهیت فرهنگی شهر برای تقویت سرمایه اجتماعی حائز اهمیت است (Syaom et al., 2014).

در دهه‌های گذشته پژوهش‌های متعددی در زمینه سنجش سرمایه اجتماعی و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن صورت گرفته است و هر یک از نظریه‌پردازان بسته به تعریفی که از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند، ابعاد و شاخص‌های متفاوتی را برای سنجش آن در نظر گرفته‌اند. جدول ۱ مهم‌ترین ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی را از دیدگاه اندیشمندان مختلف نشان می‌دهد. از آن‌جا که اجماع کلی در مورد شاخص‌های سرمایه اجتماعی در بین صاحب‌نظران وجود ندارد، سنججهایی از سرمایه اجتماعی مدنظر قرار گرفت که بیشترین هم‌پوشانی با مطالعات پیشین را داشتند و قابل بررسی در فضای عمومی شهری بودند. در نهایت، برای سنجش و اندازه‌گیری مولفه سرمایه اجتماعی از نه بعد شبکه تعاملی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد بین‌فردی، حمایت اجتماعی، جریان اطلاعات و مشارکت غیررسمی همیارانه، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت رسمی و احساس امنیت استفاده شد که در ادامه به تعاریف هر یک پرداخته شده است.

جدول ۱: ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظریه‌پردازان

ابعاد و سنججه‌ها	نظریه‌پرداز
مشارکت اجتماعی، تعهد اجتماعی، میزان توانمندی، احساس عضویت در اجتماع، شبکه‌های اجتماعی	بریانت و نوریس ^۷
اعتماد، هنجار، شبکه‌ها (آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی)	پاتنام ^۸ (۲۰۱۳)
مشارکت در اجتماع محلی، فعالیت در متن اجتماع، احساس اعتماد و امنیت، ارتباطات همسایگی، مرادوات با دوستان و فامیل، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، پیوندکاری، ارزش زندگی	بولن و دوپله ^۹
میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و شکایت	فوکویاما ^{۱۰}
مشارکت اجتماعی - حمایت اجتماعی - شبکه اجتماعی، مشارکت مدنی	سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه
گروه‌ها و شبکه‌ها، اعتماد و همکاری، فعالیت‌های جمعی، اطلاعات و ارتباطات، هم‌بستگی	بانک جهانی
درآمد خانوار، وضعیت شغلی، دین، آموزش، سن، اندازه خانوار، جنس، مشارکت زنان	بریم و ران ^{۱۱} (۱۹۹۷)

خاص و مشترک، قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی باشند و توسط سایرین نظارت شوند. از این رو، بر دو نوع شبکه

پاتنام (۲۰۱۳) بیان می‌کنند که شبکه تعاملی زمانی شکل می‌گیرد که روابط بر اساس هنجارهای رفتاری

با مکانی که در آن سکونت دارند، قابل تحقق است. این تعامل صمیمی و هم‌ذات‌پنداری، روح یا حس مکان نامیده می‌شود. از نظر روانی حس مکان کاتالیزوری است که باعث تبدیل شدن یک محیط به یک مکان می‌شود. روند تجربه عمیق مکان نه به عنوان یک شی، بلکه به عنوان یک ارگانیسم زنده است که بعد از انطباق‌های متقابل پی‌درپی محقق می‌شود. از این رو روابط بین افراد و مکان‌ها نیازمند ثباتی خاص است. محیط، این ویژگی‌ها را از طریق ترکیب نظم طبیعی و بشری کسب می‌کند (فلاح، ۱۳۸۵).

هیومن پنچ حس مکان را معرفی کرده که عبارت‌اند از: ۱. ریشه‌داری عقیدتی، ۲. ریشه‌داری ناخودآگاه، ۳. مکان نسبی، ۴. بیگانگی با مکان و ۵. بی‌مکانی. بنابراین حس مکان عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. حس مکان علاوه بر این که احساس راحتی و آسایش از محیط را به دنبال دارد، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم و روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در مکانی مشخص حمایت می‌کند و تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد و رسیدن به آسایش بصری را یادآوری می‌کند. از این رو، توجه به حس مکان و وحدت‌بخشی به این حس در میان شهروندان می‌تواند پیوندی متحدساز میان افراد باشد (Van Putten et al., 2018).

وجود حس مکان در فضاهای شهری در واقع موجب شکل‌گیری رابطه‌های خاص بین فرد و محیط می‌گردد. مفهوم حس مکان در مقیاس‌های گوناگونی مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد؛ از سطح خانه شروع شده و به مقیاس‌هایی بزرگتر در حد محله و شهر منتهی می‌گردد. در این میان می‌توان به این امر اشاره نمود که فضاهای شهری از جمله مهم‌ترین بخش‌های شهر است که وجود حس مکان شهروندان نسبت به آن‌ها از ارزشمندترین معیارهای ارزیابی این فضاها به شمار می‌رود. مطالعات نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی محیط با ایجاد معانی و تأمین فعالیت‌های خاص، در ایجاد حس مکان مؤثر است. تأمین فعالیت‌ها از فضا با رضایت‌مندی از ویژگی‌های متغیر محیط مانند دما، صدا و امکان انجام فعالیت‌های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط مانند ابعاد، تناسبات و فرم‌ها به وجود می‌آید. شناخت و عاطفه نسبت به فضا با درک معانی، نمادها، زیبایی‌شناختی فرمی و معنایی فضا و هویت‌مندی با آن حاصل می‌شود (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵).

۳. روش‌شناسی پژوهش

تبیین عبارت است از نشان دادن عناصر، عوامل یا مکانیسم‌های دخیل در ایجاد وضعیت یا توالی‌های منظم پدیده‌های اجتماعی. هم‌چنین در تبیین علمی، جستجوی علل وقوع رویداد یا توالی منظم خاصی مد نظر می‌باشد.

تعاملی تاکید دارد؛ شبکه تعاملی درون‌گروهی که به روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری میان اعضای یک گروه اشاره دارد و سایر گروه‌ها برای اعضای آن غریبه محسوب می‌شوند و شبکه تعاملی بین گروهی که اشاره به اعتماد میان گروه‌های مختلف موجود در جامعه دارد. منظور از اعتماد اجتماعی از دیدگاه گیدنز (۱۳۸۸) حسن ظن فرد نسبت به افراد جامعه است که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه می‌شود. از دیدگاه وی اعتماد بین‌فردی، اعتماد به نهادها و سازمان‌های اجتماعی و افراد حقوقی نظیر پلیس، قضات، معلمان و اساتید و غیره است. فوکویاما (۲۰۰۶) بیش‌تر به اعتماد تعمیم‌یافته توجه دارد و بیان می‌کند هر چه میزان گستردگی روابط برون‌گروهی با آثار خارجی مثبت آن تقویت گردد، بر میزان شعاع اعتماد اجتماعی افزوده می‌شود (Fukuyama, 2006).

کاپلان (۱۹۹۵) حمایت اجتماعی را هر گونه محرکی می‌داند که به پیشرفت اهداف فرد حمایت‌شونده کمک می‌کند. او حمایت را در دو بعد حمایت اجتماعی ملموس و حمایت روانی اجتماعی مد نظر قرار می‌دهد. امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و در آرامش بودن است. احساس امنیت نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت شهروندان نسبت به تاثیر حضور و بروز رویدادها در حوزه امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی و امنیت سرزمین است (نوروزی و فولادی، ۱۳۸۸). منظور از مشارکت، شرکت موثر افراد گروه در امور جمعی از طریق بسیج کلیه امکانات بالقوه گروهی به منظور استفاده از آن‌ها در فرایند تصمیم‌گیری است. آفه و فوش (۲۰۰۲) معتقدند که نوع مشارکت (رسمی، غیررسمی خیریه‌ای و غیررسمی همیارانه) افراد می‌تواند به لحاظ نوع تاثیر بر سرمایه اجتماعی متفاوت باشد (Offe & Fuchs, 2002). به همین دلیل سه نوع مشارکت رسمی، غیررسمی خیریه‌ای و غیررسمی همیارانه در این پژوهش بررسی شد.

۲-۲- حس مکان

از نگاه پدیدارشناسی، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان با استفاده از درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود بیاید و با گذر زمان رشد و گسترش یابد (Relph, 2008). حس مکان شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان دارد. در پدیدارشناسی تجربه، اصلی‌ترین رکن در ادراک است و این تجربه به معنای تطهیر ذهنی و دستیابی به ذات چیزهاست (Falahat, 2006). در واقع، روح مکان در خود مکان قرار دارد؛ اما، حس مکان در ذهن کاربر شکل می‌گیرد.

از دیدگاه روان‌شناسی محیطی انسان‌ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم‌ذات‌پنداری

۳-۱- بررسی نمونه مورد مطالعه پژوهش و شرکت کنندگان

با توجه به هدف، این مطالعه از نوع کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی و از نظر نوع تحلیل هم‌بستگی بود. جامعه‌ی مورد مطالعه را کلیه افراد استفاده‌کننده از فضا که در محدوده محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک ساکن بودند، شامل می‌شد. در راستای هدف پژوهش با توجه به وسیع بودن حجم جامعه آماری از فرمول زیر برای تعیین حجم نمونه برای برآورد پارامتر نسبت در صفات کیفی استفاده شد. در این طرح صفت کیفی به صورت زیر تعریف می‌شود:

"نسبتی از افراد که در میدان‌ها و خیابان‌های مورد مطالعه حضور دارند و ساکن آن محله هستند."

$$N = \frac{[z_{1-\frac{\alpha}{2}}]^2 (p \cdot (1-p))}{d^2}$$

در این پژوهش با توجه به این که مقدار پارامتر نسبت «p» مشخص نیست، لذا برای آن که حجم نمونه و در نتیجه دقت نتایج ماکزیمم شود لذا در رابطه بالا مقدار آن برابر ۰.۵ «p=۰.۵» در نظر گرفته شد. با در نظر گرفتن مقدار ۰.۰۶ برای خطای مطلق برآورد و هم‌چنین مقدار ۰.۰۵ برای حداکثر خطای نوع اول α ، حداقل حجم نمونه لازم برابر ۲۶۷ واحد به دست آمد. با در نظر گرفتن این مطلب که ممکن بود تعدادی از پرسش‌نامه‌های تکمیل شده از افراد نمونه، به دلایلی هم‌چون عدم همکاری، بی‌حوصلگی و غیره به صورت ناقص تکمیل شود و غیر قابل استفاده شود، در این طرح، تعداد نمونه‌ها به ۳۰۰ واحد افزایش یافت. از این رو، ۱۰۰ نفر در محله سعادت‌آباد، ۱۰۰ نفر از شهروندان در محله نازی‌آباد و ۱۰۰ نفر از محله نارمک به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد مطالعه قرار گرفتند. محله‌های انتخابی در سه منطقه متفاوت از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در مناطق ۲، ۸ و ۱۶ به ترتیب در شمال، بافت میانی و حوزه جنوبی تهران انتخاب شدند. محدوده مطالعه در این پژوهش شامل محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک بود که با استفاده از مطالعات پیشین و ماهیت پژوهش، خیابان‌ها و میدان‌های مناسب با اهداف این پژوهش انتخاب شد. در انتخاب محورها سعی بر آن بود که در نگاه اولیه از کیفیت نسبی برخوردار بوده و با توجه به این که فضای شهری فضایی برای بروز تعاملات اجتماعی محسوب می‌شود، این محورها از میزان مناسب حضور شهروندان در فضای عمومی شهری برخوردار باشند. بر این اساس مهم‌ترین فضاهای هر محله انتخاب شدند که عبارت بودند از:

- منطقه ۲: محله سعادت‌آباد؛ خیابان سعادت‌آباد و میدان کاج؛
- منطقه ۸: محله نارمک؛ خیابان آیت و میدان هفت حوض؛

- منطقه ۱۶: محله نازی‌آباد؛ خیابان مدائن و میدان بازار دوم.

۳-۲- ابزار پژوهش

جهت سنجش حس مکان و ابعاد سرمایه اجتماعی از پرسش‌نامه خودتنظیم استفاده شد. به منظور سنجش وضعیت سرمایه اجتماعی، با توجه به مبانی نظری و نیز مطالعات انجام‌شده در این حوزه، پنج مولفه اصلی (شبکه تعاملی، احساس امنیت، حمایت اجتماعی، اعتماد و مشارکت) انتخاب شدند. تعداد سوال‌ها برای سنجش هر یک از متغیرهای حس مکان (۵)، شبکه عاملی درون‌گروهی (۳)، شبکه تعاملی بین‌گروهی (۳)، اعتماد تعمیم‌یافته (۶)، اعتماد بین‌فردی (۷)، حمایت اجتماعی (۴)، جریان اطلاعات (۵)، مشارکت غیررسمی همیارانه (۷)، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای (۴)، مشارکت رسمی (۳)، و احساس امنیت (۶) بودند. سوالات همه ابعاد در قالب طیف لیکرتی (خیلی کم، کم، اصلا، زیاد، خیلی زیاد) تنظیم و فقط سوالات بعد مشارکت به صورت دو گزینه‌ای (بلی، خیر) تهیه شدند.

برای تعیین روایی پرسش‌نامه پژوهش، از روش روایی صوری محتوایی استفاده شد. از این رو، پرسش‌نامه برای اساتید و متخصصان برنامه‌ریزی شهری مربوطه ارسال شد و نظرات و انتقادات اصلاحی آنان در پرسش‌نامه اعمال گردید و در نهایت بر اساس نظر و تایید آن‌ها پرسش‌نامه تهیه شد. هم‌چنین همسانی درونی پرسش‌نامه بر اساس آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقادیر آن برای "حس مکان" ۰.۶۸ و ابعاد سرمایه اجتماعی به ترتیب "شبکه عاملی درون‌گروهی" ۰.۶۷، "شبکه تعاملی بین‌گروهی" ۰.۶۲، "اعتماد تعمیم‌یافته" ۰.۸۵، "اعتماد بین‌فردی" ۰.۸۳، "حمایت اجتماعی" ۰.۶۰، "جریان اطلاعات" ۰.۸۵، "مشارکت غیررسمی همیارانه" ۰.۵۲، "مشارکت غیررسمی خیریه‌ای" ۰.۷۶، "مشارکت رسمی" ۰.۶۸، و "احساس امنیت" ۰.۶۰ به دست آمد که همه در سطح مناسب و قابل قبولی قرار داشتند. آلفای کرونباخ در مجموع برای همه ابعاد سرمایه اجتماعی "۰.۶۴" به دست آمد.

۳-۳- شیوه اجرا

در راستای جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی انتخاب و هدف پژوهش توضیح داده شد و پس از جلب همکاری، نسبت به توزیع پرسش‌نامه‌ها و جمع‌آوری آن‌ها اقدام شد. هم‌چنین به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری به منظور مقایسه میانگین‌های متغیرها به تفکیک هر محله و ضریب هم‌بستگی پیرسون جهت شناسایی روابط بین متغیرها استفاده شد.

درصد متوسط به پایین گزارش کردند. در محله نازی آباد ۱۶ درصد وضعیت خود را عالی، ۳۲ درصد خوب، ۱۷ درصد متوسط به بالا، ۳۳ درصد متوسط و ۲ درصد بد و در محله نارمک ۶ درصد وضعیت خود را عالی، ۲۲ درصد خوب، ۲۹ درصد متوسط به بالا، ۴۳ درصد متوسط گزارش کردند. میانگین سابقه سکونت برای محله سعادت آباد ۸ سال، برای محله نازی آباد ۲۶ سال و برای محله نارمک ۱۶ سال بود. ویژگی‌های توصیفی تکمیلی دیگر در جدول ۲ آمده است.

۴. نتایج و یافته‌های پژوهش

جمع‌آوری داده در میان افرادی که در فضاهای عمومی منتخب شهر تهران ساکن بودند صورت گرفت که میانگین سنی افراد در محله سعادت آباد ۳۰ سال، در محله نازی آباد ۳۳ سال و در محله نارمک ۳۸ سال بود و دامنه سنی افراد بین ۱۷ تا ۸۳ سال متغیر بود. هم‌چنین از لحاظ وضعیت اقتصادی از مجموع ۱۰۰ شهروند انتخاب شده در محله سعادت آباد ۱۶ درصد وضعیت خود را عالی، ۴۵ درصد خوب، ۳۱ درصد متوسط به بالا، ۶ درصد متوسط و ۲

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

محله	جنسیت	درصد	وضعیت تاهل	درصد	نوع مالکیت	درصد
سعادت‌آباد	مرد	۴۸	مجرد	۶۵	مستاجر	۲۰.۷
	زن	۵۲	متاهل	۳۵	مالک	۷۷.۲
نازی‌آباد	مرد	۴۰	مجرد	۴۳.۶	مستاجر	۱۳.۷
			متاهل	۵۶.۴	مالک	۸۶.۳
	زن	۶۰	مجرد	-	سازمانی	-
			متاهل	۱۶	مستاجر	۱۶
نارمک	مرد	۵۰	مجرد	۴۶.۷	مالک	۸۴
	زن	۵۰	متاهل	۵۳.۳	سازمانی	-

مکان از نظر شهروندان و ساکنین محله‌ها وجود دارد. با مقایسه میانگین‌ها مشخص شد که اهالی محله نارمک از حس مکان بیش‌تری نسبت به اهالی دو محله دیگر برخوردار بودند.

نتایج نشان داد که تفاوت مشاهده شده در حس مکان محله‌های مورد مطالعه بر اساس آزمون F معنی‌دار بود (جدول ۳). به عبارت دیگر می‌توان گفت که بین سه محله سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک تفاوت معنی‌داری در حس

جدول ۳: مقایسه مولفه حس مکان در محله‌های مورد مطالعه

میانگین	انحراف استاندارد	کم‌ترین	بیش‌ترین	مقدار F	معناداری
۱۶.۱۵۲۲	۱.۹۷۷۵۴	۱۱	۲۰	۷.۸۱۸	۰.۰۰۰
۱۷.۰۹۱۸	۲.۱۹۲۲۴	۱۳	۲۰		
۱۷.۴۸۹۱	۲.۸۳۰۳۵	۸	۲۰		
۱۶.۹۱۴۹	۲.۴۱۴۳۱	۸	۲۰		

بر اساس نتایج جدول ۴ محله نازی‌آباد دارای بیش‌ترین شبکه تعاملی درون‌گروهی و محله نارمک دارای کم‌ترین شبکه تعاملی درون‌گروهی بود و بین محله‌ها تفاوت معنی‌داری در تعامل درون‌گروهی وجود نداشت. محله نازی‌آباد دارای بیش‌ترین شبکه تعاملی میان‌گروهی و محله سعادت‌آباد دارای کم‌ترین تعامل میان‌گروهی بودند و بین محله‌ها تفاوت معنی‌دار در تعامل میان‌گروهی وجود داشت. هم‌چنین، محله نارمک دارای بیش‌ترین اعتماد تعمیم‌یافته و محله سعادت‌آباد دارای کم‌ترین مقدار بود و بین سه محله تفاوتی معنی‌دار در مولفه اعتماد

تعمیم‌یافته دیده شد. نازی‌آباد دارای بیش‌ترین اعتماد بین‌فردی و محله سعادت‌آباد دارای کم‌ترین مقدار بودند و بین محله‌ها تفاوتی معنی‌دار در اعتماد بین‌فردی دیده شد.

جدول ۴: مقایسه میانگین مولفه‌های سرمایه اجتماعی در محله‌های مورد مطالعه

معناداری	F مقدار	بیش‌ترین	کم‌ترین	انحراف استاندارد	میانگین	مولفه‌های سرمایه اجتماعی
۰.۰۹۳۰	۲.۳۹۰	۱۵	۷	۲.۱۵۰	۱۱.۳۰۱	شبکه تعاملی درون گروهی
		۱۵	۶	۲.۲۵۰	۱۱.۵۹۳	سعدت‌آباد
		۱۵	۳	۲.۷۳۹	۱۰.۸۵۰	نازی‌آباد
۰.۰۰۰۰	۱۹.۴۴۰	۱۲	۳	۲.۷۲۷	۸.۰۷۰۴	شبکه تعاملی بین گروهی
		۱۵	۴	۲.۵۲۰	۱۰.۷۶۶	سعدت‌آباد
		۱۵	۳	۳.۵۶۴	۸.۲۵۳	نازی‌آباد
۰.۰۰۰۰	۳۹.۸۸	۲۲	۶	۴.۱۶۳	۱۱.۸۶۳	اعتماد تعمیم‌یافته
		۲۴	۷	۳.۸۳۴	۱۵.۷۹۳	سعدت‌آباد
		۲۲	۱۱	۲.۶۵۲	۱۵.۹۵۰	نازی‌آباد
۰.۰۰۰۰	۹.۲۸۲	۲۲	۱۰	۳.۴۱۷	۱۶.۳۳۰	اعتماد بین‌فردی
		۲۵	۱۴	۲.۹۲۹	۱۸.۴۴۹	سعدت‌آباد
		۲۴	۱۰	۴.۰۰۲	۱۷.۲۰۶	نازی‌آباد
۰.۰۰۰۰	۷.۸۱۸	۲۵	۸	۳.۵۵۷	۱۵.۶۴۰	حمایت اجتماعی
		۲۵	۱۲	۳.۶۱۱	۲۰.۸۰۶	سعدت‌آباد
		۲۵	۹	۴.۰۹۹	۱۹.۲۳۰	نازی‌آباد
۰.۰۰۰۰	۱۲.۹۳۷	۲۵	۵	۴.۱۶۶	۱۷.۶۶۰	جریان اطلاعات
		۲۵	۱۰	۳.۸۰۰	۲۰.۱۷۰	سعدت‌آباد
		۲۳	۵	۳.۸۷۷	۱۷.۷۶۰	نازی‌آباد
۰.۰۰۰۰	۳۲.۸۶۵	۱۳	۷	۱.۷۰۰	۱۹.۵۹۰	مشارکت غیررسمی همیارانه
		۱۱	۷	۱.۱۲۲	۸.۹۰۸	سعدت‌آباد
		۱۴	۷	۲.۱۴۷	۸.۸۶۷	نازی‌آباد
۰.۰۰۰۴	۵.۵۵۹	۸	۴	۱.۰۱۱	۵.۰۸۰	مشارکت رسمی غیرخیریه‌ای
		۷	۴	۰.۸۴۱	۴.۸۱۰	سعدت‌آباد
		۸	۴	۱.۰۱۱	۴.۶۳۰	نازی‌آباد
۰.۰۰۰۰	۴۵.۲۶۴	۲۶	۱۰	۴.۲۳۴	۱۸.۶۹۰	مشارکت رسمی
		۲۸	۱۵	۳.۳۸۲	۲۱.۲۳۴	سعدت‌آباد
		۲۹	۱۴	۲.۹۱۷	۲۳.۴۷۰	نازی‌آباد
۰.۰۰۰۰	۴۵.۲۶۴	۲۶	۱۰	۴.۲۳۴	۱۸.۶۹	امنیت
		۲۸	۱۵	۳.۳۸۲	۲۱.۳۳	سعدت‌آباد
		۲۹	۱۴	۲.۹۱۷	۲۳.۴۷	نازی‌آباد

غیررسمی همیارانه وجود دارد. محله سعادت‌آباد دارای بیش‌ترین مشارکت غیررسمی خیریه‌ای و محله نارمک دارای کم‌ترین مقدار می‌باشد و بین محله‌ها تفاوت معنی‌دار در مولفه مشارکت غیررسمی خیریه‌ای وجود دارد. محله نارمک دارای بیش‌ترین مشارکت رسمی و محله سعادت‌آباد دارای کم‌ترین مقدار می‌باشد و بین محله‌ها تفاوت معنی‌دار در مولفه مشارکت رسمی وجود دارد. محله نارمک دارای بیش‌ترین احساس امنیت و محله سعادت‌آباد دارای کم‌ترین مقدار می‌باشد و بین محله‌ها

هم‌چنین، نتایج جدول ۴ نشان داد محله نازی‌آباد دارای بیش‌ترین حمایت اجتماعی و محله سعادت‌آباد دارای کم‌ترین مقدار بوده و بین محله‌ها تفاوت معنی‌دار در مولفه حمایت وجود دارد. محله نازی‌آباد دارای بیش‌ترین جریان اطلاعات و محله سعادت‌آباد دارای کم‌ترین مقدار بوده و بین محله‌ها تفاوت معنی‌دار در مولفه جریان اطلاعات وجود داشت. محله سعادت‌آباد دارای بیش‌ترین مشارکت غیررسمی همیارانه و محله نارمک دارای کم‌ترین مقدار می‌باشد و بین محله‌ها تفاوت معنی‌دار در مولفه مشارکت

داشتند. از میان مولفه‌های سرمایه اجتماعی، مولفه مشارکت غیررسمی خیریه‌ای بیش‌ترین هم‌بستگی با حس مکان را نشان داد. هم‌چنین مولفه جریان اطلاعات کم‌ترین رابطه را با حس مکان داشت.

تفاوت معنی‌دار در مولفه احساس امنیت وجود دارد. جهت تعیین رابطه‌ی بین حس مکان و ابعاد سرمایه اجتماعی از هم‌بستگی پیرسون استفاده شد (جدول ۵). نتایج حاکی از آن بود که حس مکان با تمامی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به طور کلی رابطه مثبت و معنی‌داری

جدول ۵: ماتریس هم‌بستگی بین حس مکان و مولفه‌های سرمایه اجتماعی

حس مکان		سرمایه اجتماعی	ردیف
سطح معنی‌داری	ضریب هم‌بستگی		
۰.۰۰۰	۰.۳۸۵**	شبکه تعاملی درون‌گروهی	۱
۰.۰۰۰	۰.۴۰۶**	شبکه تعاملی بین‌گروهی	۲
۰.۰۰۰	۰.۳۰۱**	اعتماد تعمیم‌یافته	۳
۰.۰۰۰	۰.۲۸۴**	اعتماد بین‌فردی	۴
۰.۰۰۰	۰.۳۵۲**	حمایت اجتماعی	۵
۰.۰۰۰	۰.۲۲۰**	جریان اطلاعات	۶
۰.۰۰۰	۰.۳۷۲**	مشارکت غیررسمی همیارانه	۷
۰.۰۰۰	۰.۴۲۱**	مشارکت غیررسمی خیریه‌ای	۸
۰.۰۰۰	۰.۳۵۱**	مشارکت رسمی	۹
۰.۰۰۰	۰.۲۹۱**	احساس امنیت	۱۰
۰.۰۰۰	۰.۳۵۴**	سرمایه اجتماعی	۱۱

** معنی‌داری کم‌تر از ۰/۰۵

و معنی‌داری وجود داشت. به عبارت دیگر هر چه حس مکان بیش‌تر باشد، سرمایه اجتماعی شهروندان نیز می‌تواند تحت تاثیر قرار گیرد. در محله نارمک نیز رابطه به نسبت قوی بین حس مکان و سرمایه اجتماعی دیده شد.

نتایج ضریب هم‌بستگی پیرسون حاکی از آن بود که در محله سعادت‌آباد بین مولفه حس مکان و سرمایه اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۶). اما، در محله نازی‌آباد بین مولفه حس مکان و میزان سرمایه اجتماعی شهروندان ساکن در محله در سطح رابطه مثبت

جدول ۶: ضریب هم‌بستگی پیرسون بین مولفه حس مکان و سرمایه اجتماعی

حس مکان		محله	متغیرها
سطح معنی‌داری	ضریب هم‌بستگی		
۰.۵۰۸	- ۰.۹۰	سعادت‌آباد	سرمایه اجتماعی
۰.۳۴	۰.۳۸	نازی‌آباد	
۰.۰۰۰	۰.۴۰۱	نارمک	

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین حس مکان و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بود. بدین منظور رابطه حس مکان با مولفه‌های سازنده سرمایه اجتماعی در سه محله تهران مورد بررسی و تبیین قرار گرفت. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد مولفه حس مکان به طور

کلی با سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معناداری دارد. بدین معنا که هر چقدر میزان کیفیت این مولفه در فضای شهری افزایش یابد، امکان شکل‌گیری و افزایش سرمایه اجتماعی نیز بیشتر فراهم می‌شود. هم‌چنین، نتایج بیانگر رابطه معنادار و مثبت حس مکان در سطح ۹۵ درصد با تمام مولفه‌های بعد سرمایه اجتماعی بود. این نتایج

با مطالعات پیشین هم‌چون بروکاتو (۲۰۰۶)، پایتون و پایتون (۲۰۰۳)، بوت و همکاران (۲۰۰۶)، داس (۲۰۰۵)، رحیمی و همکاران (۱۳۹۹)، رهنما و همکاران (۱۳۹۱) هم‌راستا هستند.

افزون بر این، در این پژوهش رابطه سرمایه اجتماعی و حس مکان در محلات نارمک، نازی‌آباد و سعادت‌آباد مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد محله نارمک دارای بیش‌ترین حس مکان و محله سعادت‌آباد دارای کم‌ترین حس مکان هستند. نتایج مؤید این مطلب بود که در محله سعادت‌آباد بین مولفه حس مکان با سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به عبارتی وجود یا عدم وجود مولفه ذکر شده تأثیری در میزان سرمایه اجتماعی شهروندان ساکن در محله سعادت‌آباد ندارد. هم‌چنین نتایج نشان داد که مولفه حس مکان در محله نازی‌آباد با ضریب اطمینان ۹۵ درصد و در محله نارمک با ضریب اطمینان ۹۹ درصد با سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی دیگر، می‌توان چنین عنوان کرد که به هر میزانی که در فضای شهری این دو محله "حس مکان" بیش‌تر وجود داشته باشد، تأثیری مستقیم و مثبت در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی شهروندان آن محله دارد.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که نتایج نشان‌دهنده وضعیت مناسب محلات نارمک و نازی‌آباد از لحاظ شاخص‌های سرمایه اجتماعی و حس مکان است. نارمک و نازی‌آباد با گذشت زمان توانسته‌اند به عنوان محلاتی با هویت و متمایز از سایر محلات ماهیت خود را حفظ نمایند. در این محلات ساکنان نوعی احساس تعلق عاطفی و ابراز احساس خوشایندی از ساکن بودن در محلات مزبور را دارند و پیوندهای اجتماعی بین ساکنان محلات در حد بالایی قرار دارد و این ارتباط و تعامل اجتماعی سبب ارتقای حس مکان و تعلق بالای ساکنان شده است. هم‌چنین، فعالیت‌های مذهبی و وجود عناصر خوانایی باعث ارتقای مولفه حس مکان گردیده است. در

این محلات شاخص‌هایی چون همکاری محله‌ای، پیوستگی اجتماعی، مشارکت در امور محلی، احساس امنیت و ایمنی، اعتماد، هویت‌شناسی با مکان در حد بالایی قرار دارند. به همین دلیل می‌توان تبیین نمود که محله‌های دارای هویت و حس مکان بهتر مانند نارمک و نازی‌آباد در این پژوهش رابطه با سرمایه اجتماعی را نشان دادند. ولی، به نظر می‌رسد محله نوسازتری مانند سعادت‌آباد که هویت مکانی، پیوستگی و پیوندهای اجتماعی منسجم در ساکنانش به مانند دیگر محله‌ها نیست، رابطه‌ای بین حس مکان و سرمایه اجتماعی را نشان نداد. این نتایج با پژوهش‌های گذشته مانند می‌های لو (۲۰۱۱)، رحیمی و دیگران (۱۳۹۹)، یوو و لی (۲۰۱۶) هم‌راستا بود.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. نخست آن‌که مطالعه حاضر فقط در سه فضای شهری تهران مورد بررسی قرار گرفت و سایر گونه‌های فضایی مطالعه نشدند. لذا، از تأثیر رابطه مشابه در سایر فضاها آگاهی وجود ندارد و نمی‌توان نتایج را به راحتی به سایر محله‌ها تعمیم داد. دوم این‌که، رابطه تابعی در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته است، از این رو، فقط رابطه همزمانی بین دو مولفه حس مکان و سرمایه اجتماعی بررسی شد. ولی، این‌که کدام مولفه دیگری را می‌تواند پیش‌بینی کند مشخص نیست. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی در زمینه سرمایه اجتماعی و حس مکان رابطه تابعی دو مولفه حس مکان و سرمایه اجتماعی در فضای شهری در کنار سایر متغیرها مورد مطالعه قرار گیرد تا عوامل تبیین‌کننده پیش‌بین این دو مولفه شناسایی شوند. هم‌چنین، به بررسی رابطه حس مکان و سرمایه اجتماعی در سایر فضاهای شهری مانند میدانچه‌ها، پارک‌ها و غیره پرداخته شود. از سوی دیگر، پیشنهاد می‌شود که تأثیر ساخت‌وسازهای جدید بر سرمایه اجتماعی ساکنین محله مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت، رابطه کیفیت‌های فضایی که منجر به تقویت حس مکان می‌گردد با سرمایه اجتماعی مطالعه شود.

پی‌نوشت

1. Social Capital
2. Sense of Place
3. Social Networks
4. Hanifan
5. Bullen
6. Coleman and Doyle
7. Bryant and Norris
8. Putnam
9. Bullen
10. Putnam
11. Brham and Rahen

فهرست منابع

- ربانی، رسول و حبیبی، صفدر. (۱۳۹۰). تحلیلی بر نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرکرد). *فصلنامه مطالعات شهری*، (۱)، ۱-۱۸.
- رحیمی، روح اله، انصاری، مجتبی، بمانیان، محمدرضا و مهدوی نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران. *باغ نظر*، (۸۳)۱۷، ۳۰-۱۵. doi: 10.22034/bagh.2020.185425.4107
- رهنما، محمدرحیم و رضوی، محمدمحسن. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد. *نشریه هنرهای زیبا (معماری و شهرسازی)*، (۲)۱۷، ۲۹-۳۶.
- زنگنه، یعقوب، حسین آبادی، سعید، روشندل، تکتم و نبی پور، رضا. (۱۳۹۳). تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی محله سرده سبزوار. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری*، (۱۹)۵، ۱۱۱-۱۲۸.
- شیخی، محمد، امینی، سعیده و نظامی، آناهیتا. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (مورد مطالعه شهر جدید پرد و نسیم شهر). *فصلنامه علوم اجتماعی*، (۶۹)۶۹.
- صیدایی، اسکندر، احمدی شاپور آبادی، محمدعلی و معین آبادی، حسین. (۱۳۸۸). دیباچه ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مولفه‌های توسعه اجتماعی در ایران. *راهبردهای توسعه*، ۱۹، ۱۸۸-۲۲۵.
- فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۶، ۵۷-۶۶.
- میرغلامی، مرتضی و آیشم، معصومه. (۱۳۹۵). مدل مفهومی ارزیابی حس مکان بر اساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی مطالعه موردی: خیابان امام ارومیه. *فصلنامه مطالعات شهری*، ۱۹، ۶۹-۸۰.
- نوروزی، فیض اله و فولادی سپهر، سارا. (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن. *راهبرد*، (۱۸)۵۳، ۱۲۹-۱۵۹. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=118033>
- Amsden, B. L. (2007). *Understanding sense of place among community residents and volunteers in alaska* (Unpublished doctoral dissertation). Pennsylvania State University.
- Bourdieu, P. (1983). Forms of Capital. In Richards, J. C. (ed), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. New York: Green Wood Press.
- Bullen, P., & Jenny, O. (1998). Measuring Social in Five Communities in NSW, Neighborhood and Community Centers. *Applied Behavioral Science*, 36(1), 23-42.
- Cattell, V. (2001). Poor People, Poor Places, and Poor Health: The Mediating Role of Social Networks and Social Capital. *Social Science & Medicine*, 52, 1501-1516. [https://doi.org/10.1016/S0277-9536\(00\)00259-8](https://doi.org/10.1016/S0277-9536(00)00259-8)
- Chapin, F. S., & Knapp, C. N. (2015). Sense of place: A process for identifying and negotiating potentially contested visions of sustainability. *Environmental Science & Policy*, 53, 38-46. [10.1016/j.envsci.2015.04.012](https://doi.org/10.1016/j.envsci.2015.04.012)
- Chigbu, U. E. (2013). Fostering rural sense of place: the missing piece in Uturu, Nigeria. *Development in Practice*, 23(2), 264-277. <https://doi.org/10.1080/09614524.2013.772120>
- Coleman, J. S., & Doyle, W. J. (1988). Social ties and susceptibility to the common cold, in social CAPITAL. In Dekker, P. & uslaner, E. M. (Eds) (2011) *Social Capital and Participation in Everyday life*. Rutledge.
- Dale, A., Ling, C., & Newman, L. (2008). Does place matter? Sustainable community development in three canadian communities. *Ethics, Place & Environment: A Journal of Philosophy & Geography*, 11(3), 267-281. <https://doi.org/10.1080/13668790802559676>
- Dean, A. J., Fielding, K. S., Lindsay, J., Newton, F. J., & Ross, H. (2016). How social capital influences community support for alternative water sources. *Sustainable Cities and Society*, 27, 457-466. doi : <https://doi.org/10.1016/j.scs.2016.06.016>
- Debertin, D. L., & Stephan, J. (2013). *Social Capital Formation in Rural, Urban and Suburban Communities*. Staff Papers 159102, University of Kentucky, Department of Agricultural Economic Newcastle University's Centre for Urban & Regional Development Studies (CURDS), Newcastle University's. [10.22004/ag.econ.159102](https://doi.org/10.22004/ag.econ.159102)
- Eriksson, M. (2010). *Social capital, health and community action-Implications for health promotion*. Umeå University Medical Dissertations. Umeå University. <http://www.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2%3A319847&dsid=9212>
- Forrešt, R., & Kearns, A. (2001). Social Cohesion, Social Capital and the Neighbourhood. *Urban Studies*, 38, 2125-2143. <https://doi.org/10.1080/00420980120087081>
- Fukuyama, F. (1999). *Social capital and civil society*. The Institute of Public Policy George Mason University.
- Hays, R. A., & Kogl, A. M. (2007). Neighbourhood Attachment, Social Capital Building, and Political Participation: A Case Study of Low- and Moderate income Residents of Waterloo, Iowa. *Journal of Urban Affairs*, 29, 181-205. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9906.2007.00333.x>
- International Centre for Cultural & Heritage Studies (ICCHS) and Bradley Research & Consulting (BR&C). (2009). *Sense of Place and Social Capital and the Historic Built Environment*. London: International Centre for Cultural and Heritage Studies, Report of Research for English Heritage.
- Jorgensen, B. S. (2010). Subjective mapping methodologies for incorporating spatial variation in research on social

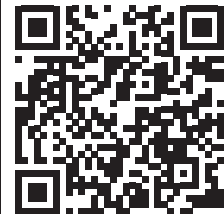
- capital and sense of place. *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 101(5), 554-567. doi:[10.1111/j.1467-9663.2010.00633.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-9663.2010.00633.x)
- Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2001), Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitudes toward their Properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 233-248. doi:[10.1006/jevp.2001.0226](https://doi.org/10.1006/jevp.2001.0226)
 - Kaplan, S. (1995). The restorative benefits of nature: Toward an integrative framework. *Journal of Environmental Psychology*, 15, 169-182.
 - Manzo, L. C., & Perkins, D. D. (2006). Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning. *Journal of Planning Literature*, 20(4), 335-350. <https://doi.org/10.1177/0885412205286160>
 - Offe, C., & Fuchs, S. (2002). *A Decline of Social Capital? The German Case in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*. Oxford University Press, Oxford. doi:[10.1093/0195150899.001.0001](https://doi.org/10.1093/0195150899.001.0001)
 - Payton, M., & Payton, A. (2003). *Influence of Place Attachment and Social Capital on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge*. master's thesis of Natural Resources Science and Management Program, University of Minnesota. <https://doi.org/10.1080/08941920590947940>
 - Putnam, D. (2013). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy* (M. Delforuz, Trans.). Tehran: Sociologists.
 - Relph, E. (2008). Disclosing the Ontological Depth of Place: Heidegger's Topology by Jeff Maples. *Environmental and Architectural Phenomenology Newsletter*, 19(1), 5-8.
 - Scannell, L., & Gifford, R. (2010). The relations between natural and civic place attachment and proenvironmental behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 289-297. doi:[10.1016/j.jenvp.2010.01.010](https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2010.01.010)
 - Soini, K., Vaarala, H., & Pouta, E. (2012). Residents' sense of place and landscape perceptions at the rural-urban interface. *Landscape and Urban Planning*, 104, 124-134. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2011.10.002>
 - Syaom, M., Barliana, D., & Cahyani, P. (2014). The Urban Quality, Public Space, and Social Capital: Departing from Comparison of Three Cities. *International Journal of Humanities and Social Science*, 4(10).
 - Walker, A. J., & Ryan, R. L. (2008). Place attachment and landscape preservation in rural New England: A Maine case study. *Landscape and Urban Planning*, 86, 141-152. doi:[10.1016/j.landurbplan.2008.02.001](https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2008.02.001)
 - Yoo, Ch., & Lee, S. (2016). Neighborhood Built Environments Affecting Social Capital and Social Sustainability in Seoul. *Korea*, 8. doi: [10.3390/su8121346](https://doi.org/10.3390/su8121346).

نحوه ارجاع به این مقاله

فروزان گهر، حمیده. (۱۴۰۱). ارزیابی و سنجش رابطه حس مکان و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری تهران، محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۵(۳۸)، ۲۸۳-۲۹۴.

DOI: 10.22034/AAUD.2022.210327.2054

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_152348.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

